

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

همایون ساحل

سوم مارچ 2012

## زمزمه آزادی

خروش لحظه قیام ما  
بدامن سحر چو راه میشود  
ز کلبه های خموشان ز شهرهای ویران  
چه شر و شور بپا میشود  
که موج عشق به شعله های  
خشم مردمان سلاح میشود  
جوش جوش تان شعاری عشق مستی!  
در مزرعه های خاموش تان دغا تباه میشود  
چه انفجاری چه انزجاری!  
درون سینه های سرد تان با سیل همراهی همراه میشود  
امید زندگی به پا میشود  
به کوی و برزن ستمگران  
چه روزها سیاه میشود  
ز برج و باروی اجیران مست  
چه آتشی برپا میشود  
نگاه کن نگاه کن سه حوت  
چو آئینه ای در مقابلهت قدنما میشود  
وطن ز دامن لکه های ننگ  
به خون من سفید گاه سیاه میشود